

حزب توده ایران
در باره پیش نویس قانون اساسی
نظر میدهد:

آموختن حق مسلم همگانی است

و قانون اساسی جمهوری
اسلامی باید حق آموزش
برابر را برای همه مردم
تأمین کند. ۲۰

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۷
دوشنبه ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

نظر حزب توده ایران

در باره انتخابات مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

صفحه ۴



رفیق ارجمند محمد رضا قدوه

عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، مارا ترک گفت

رفیق ارجمند ما محمد رضا قدوه، عضو
هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران،
در آستانه شصت و نهمین سال زندگی، همزمان،
خویشاوند و دوستان خود را برای همیشه ترک
گفت. مردی که روح پر نشاط، انرژی جوشان،
هوش تیز و اعتقاد راسخ بر راه حزب، شاخص
های او بعنوان رزمنده و انسان بود، اینک در
میان ما نیست. همه کسانی که رفیق محمد رضا
قدوه را می شناختند، نمیتوانند این خبر دردناک
را با اندوهی ژرف تلقی نکنند.
رفیق محمد رضا قدوه در یک خانواده
روحانی، در اراک (کازان)، پا به جهان نهاد.
پس از اتمام تحصیلات مذهبی در حوزه علمیه قم
به تهران آمد و با موفقیت تحصیلات خویش را
در دبیرستان و دانشسرای عالی به پایان رساند.
وی از همان اول جوانی گام در میدان مبارزه
نهاد و از یاران و همزمان ارزانی بود. تحت
رهبری او، اعتصاب دانشسرای عالی، که نخستین
اعتصاب در محیط نوپیدا دانشگاهی در دوران
رضا پهلوی بود، تحقق یافت. رفیق قدوه به همراه
ارزانی، در سال ۱۳۱۶ شمسی، در جمع ۵۳ نفر،
زندانی شد و پس از سقوط رژیم استبدادی رضا

مراسم بزرگداشت رفیق قدوه، روز
پنجشنبه در دانشگاه صنعتی برگزار میشود.

شاه، مانند یاران دیگر خود، از زندان رهایی
یافت.

پس از رهایی از زندان، رفیق قدوه،
بمشابه دبیر مشغول کار شد و پیوسته در گسترش
مبارزه فرهنگی نقش چشمگیری داشت. پس
از چندی به صفوف حزب توده ایران پیوست و از
آن پس، تمام انرژی جوشان و خرد سیاسی خویش را،
تا آخرین دم زندگی، وقف راه حزب ساخت.

در دوران حکومت ملی دکتر مصدق، رفیق
قدوه دبیر جمعیت ملی مبارزه با استعمار بود. وی
فعالیت پرشوری در دفاع از صلح داشت و تا آخر
عمر عضو شورای جهانی صلح بود. پس از کودتای
۲۸ مرداد، رفیق قدوه، بطور غیابی،
بعزت دفاع از شعار جمهوری، محکوم به اعدام
شد.

در دوران طولانی مهاجرت، رفیق قدوه،
مانند دیگر همزمان، دمی از پای ننشست و با
بقیه در صفحه ۴

در صفحات بعد:

ملی کردن موسسات صنعتی
سرمایه داران بزرگ وابسته
به امپریالیسم، گامی است
در جهت رفاه زحمتکشان

(صفحه ۶ - ستون اول)

□ زنان را میخواهند از انقلاب جدا کنند
(صفحه ۶ - ستون چهارم)

□ آنها که از زندان انقلاب آزاد میشوند،
کیستند؟ (صفحه ۶ - ستون اول)

□ اعتراض کارگران نساجی شماره یک
قائم شهر. (صفحه اخبار کارگری (۳))

□ متن سرود حزب توده ایران
(صفحه ۴ - ستون پنجم)

□ به پاس شهیدان (شعر)
(صفحه ۶ - ستون پنجم)

□ وضع انفجاری خرم آباد، نتیجه و
نمونه ای از خرابکاری عوامل ناپاب و
مشکوک در کمیته ها (صفحه ۶ - ستون چهارم)

چون وابسته بوده ایم، باید وابسته بمانیم؟!

اگر امروز تسلیحات ارتش
۴۰۰ میلیارد تسلیحات، این
قسمت اعظم (آن) از امریکاییها
شده، اینرا اگر نخواهیم لوازم
پدکی که احتیاج دارد و دائماً
هم احتیاج دارد از امریکایا از
بلوک غرب بیاوریم، یا این چیزهای
اینقدر پیچیده و مشکل را احیاناً از
متخصصان آنها استفاده نکنیم،
یعنی این ۴۰۰ میلیارد دلار سلاح
را به زیاده دان ریختن... نتیجه
آن عمل به کلی محروم شناختن و
محروم کردن مملکت از سلاحش،
از هواپیما، از توپش از مسلسلش...
این بخشی است از نطق مفصل
نخست وزیر، که چهارشنبه ۱۳ تیر
ماه، از رادیو و تلویزیون ایراد
داشتند. از این دیدگاه باید نتیجه
بقیه در صفحه ۵

کند شدن دادگاههای انقلاب: خطر بزرگی که انقلاب را تهدید می کند

- کند شدن دادگاههای انقلاب، یعنی تیز
شدن تیغ ضد انقلاب.
- در یک ماه گذشته فعالیت دادگاهها آنقدر
کم شده که مهره های شناخته شده رژیم آزاد
و سرپرست یک اکیب «کمیته» تبرئه شده است.
- قضات پیشین دادسرای انقلاب اسلامی:
جلو عمل صحیح تنها ارگان انقلابی انقلاب
را گرفتند.

ضد انقلاب هر روز بی پروا تر میشود و اخبار رسیده از چهار
کوشه کشور خبر از فعالیت همه جانبه ضد انقلاب در شکل های گوناگون
میدهد، و این درست در زمانیست که به نظر میرسد دادگاههای انقلاب
برندگی سابق خود را ندارند.

تجربه چندماه بعد از انقلاب نشان داده است که هر وقت
دادگاههای انقلاب، بعنوان نیرومندترین و قاطع ترین ارگان برآمده
از انقلاب، در محاکمه جنایتکاران رژیم شاه کوتاهی کرده اند و یا
دستگیری و مجازات عمال رژیم سابق کند شده است، ضد انقلاب بی
پروا تر دست به تهاجم زده و انقلاب را با خطر روبرو کرده است.
اکنون ضد انقلاب که فرصت چندماهه ای برای تجدید سازمان داشته
است، با کند شدن فعالیت دادگاهها، جسورانه دست به مبارزه زده است.
مبارزه ای که در آن «مرکززدگی» مطرح است و از اینرو با تمام نیرو
و امکانات دنبال میشود.

قضات تحقیق و بازپرس پیشین دادسرای انقلاب اسلامی تهران،
در ملاقات با امام خمینی این خطر بزرگ را به رهبر انقلاب
خاطر نشان کرده اند. آنها به امام گفته اند، «ما آمده ایم بگوئیم
که هنوز ضد انقلاب زنده است و فعلاً کار میکند و عناصر
اصلی رژیم گذشته در زندان های انقلاب نگهداری میشوند.»
آنها اضافه کرده اند، «ما آمده ایم بگوئیم عناصر فعال و مهره های
اصلی رژیم را بدون محاکمه آزاد میکنند.»

بقیه در صفحه ۴

ضد انقلاب در کردستان

اقدامات تحریک آمیز و تخریبی خود مساعد سازند. نیروهای ضد
انقلاب میکوشند خواستهای بحق و عادلانه زحمتکشان و اقشار
ترقیخواه خلق کرد را در زمینه حقوق ملی و خودمختاری، با اقدامات
تحریک آمیز و ماجراجویانه، از راه راستین منحرف سازند و به
احساسات ملی و مذهبی در این منطقه دامن میزنند تا گروهها و اقشار
مختلف ملی و مذهبی را در برابر یکدیگر قرار دهند و مشکلات و
اوضاع در این منطقه را پیچیده تر سازند. عدم پاکسازی این منطقه
از لوث وجود عناصر سرسپرده رژیم منقر گذشته، عدم قاطعیت مقامات
مسئول محلی در پی جوئی و دستگیری بازمانده های ارتشی و ساواکی
رژیم سابق در این منطقه، کار را بجائی کشانیده که عده ای از عناصر
سرناس ساواک و ارتش در این منطقه گرد آمده و منطقه را به پایگاه
ضد انقلاب و اقدامات تحریک آمیز و تخریبی تبدیل کرده اند. در
بقیه در صفحه ۴

□ در کردستان فتودالها و ارتجاع محلی با عوامل
ساواک در گسترش اقدامات ضد انقلابی و خرابکاری
همکاری میکنند.

با پیشرفت روند انقلابی در جهت تعمیق و تثبیت دستاوردهای
انقلاب، نیروهای ضد انقلابی و ارتجاع، بازماندگان رژیم سابق و
عوامل فراری ساواک، با هدف گسترش اقدامات ضد انقلابی و خرابکارانه
خود، در جبهه واحدی متشکل و متحد میشوند. این جبهه واحد ضد
انقلاب در منطقه کردستان، با حداکثر استفاده از ناسامانهای طبیعی
دوران گذار، نارضائیها و احساسات ملی و مذهبی اقشار و گروههای
مختلف اهالی این منطقه و چپدروی برخی از سازمانهای سیاسی محلی،
در میان مردم بدبینی و نفاق و تفرقه ایجاد میکنند تا زمینه را برای

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

حزب توده ایران درباره پیش نویس قانون اساسی نظر میدهد

در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهاد میشود که اصل زیرین در قانون اساسی ذکر گردد:

«همه افراد کشور حق آموختن دارند. آموزش مجانی است و در حدودی که قانون معین میکند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر برای همگان تأمین میکند و امکان دسترسی همه را به آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و فرهنگ سازمان میدهد.»

نرخ بیسوادی در ایران بطور وحشتناکی بالاست. خاندان‌ساز سیده پهلوی، طی بیش از نیم قرن، ثروت مبینه‌آبادی امپریالیسم جهانخواه ریخت، خود خورد و بر دویدشتمان قهار شکوفایی میهن ما خوراند و اکثریت مردم را در حصار تاریک فقر و بیسوادی زندانی ساخت. این خاندان تنگین، که مظهر جهل و تاریک اندیشی بود، با برس تمام ارزشهای واقعی فرهنگی و هنری ما گذارد و بسک فرهنگ میان‌تبی را بر خلق ما تحمیل کرد. علیرغم آنکه خاندان پهلوی مردم را بیسواد و جاهل میخواست، لحظه‌ای از نظاره به مبارزه با بیسوادی و رواج فرهنگ و هنر باز نیمانند. یکبار در دوران سلطنت شوم پهلوی پدر، دودبار در دوران سلطنت نامیمون پهلوی پدر، «یکبار ملی» با بیسوادی آغاز شد، اما نمره‌ای بی‌باز نیاورد.

مبارزه با بیسوادی خاندان پهلوی فقط یک شرکرتبلیغاتی خالی از محتوی بود که مبیایست برای این خانواده دزد و فاسد و غارتگر، کسب آبرو کند و آنانرا «مروج علم و فرهنگ» نشان دهد. امداد آخرین سالهای حکومت شاه مخلوع، حتی ارقام هم بعدا در آمدند و معلوم شد که علیرغم

«یکبار ملی» با بیسوادی، نسبت بیسوادان، در مقایسه با جمعیت کشور، نه تنها کم نشده، بلکه زیادتر هم شده است!

آمارهای رسمی سال ۱۳۵۰ نشان میدهد که علیرغم نبردهای پی‌درپی خاندان پهلوی با بیسوادی، ۶۴ درصد مردم مساهنوز بیسوادند. و از آنجا که بعلل گوناگون، در مسورد دختران محدودیت بیشتری وجود داشته، این نسبت در میان زنان بر مراتب از مردان بیشتر است، یعنی در حالی که نسبت بیسوادی مسردان ۵۲/۳ درصد است، نسبت زنان بیسواد به ۷۴/۵ درصد میرسد، و چون مناطق روستا نشین کشور، در اکثریت خود، محروم از فرهنگ و آموزش و پرورش‌اند، نسبت بیسوادی در روستا بیش از شهرها است، یعنی در مجموع، ۷۹/۶ درصد مردم روستا نشین سواد ندارند و این نسبت در میان زنان روستا نشین به رقم حیرت انگیز ۹۱/۷ درصد میرسد. این منظره کشور است که

راهی بدمرسه نداشته‌اند. اکنون، با پیروزی انقلاب ایران، دوران جبران مافات فرا رسیده است. بسا نارسائی‌های آموزشی گذشته باید با اقدامات انقلابی بر خورد کرد. حق همگان است که از آموزش برابر بهره‌مند شوند و هیچ کودکی بعلت فقر و تنگدستی خانواده خود، از تحصیل محروم نماند. باید آموزش رایگان اعلام شود و در حدودی که دولت امکان دارد و قانون مرز آن را تعیین میکند، آموزش اجباری باشد تا بیسوادی بن‌کن شود. حق تمامی مردم است که به آموزش و پرورش، آموزشی حرفه‌ای و فرهنگ دسترسی داشته باشند.

خطر بزرگی که انقلاب ایران را تهدید میکند...

متأسفانه نشانه‌هایی درست است که سخنان قضات تحقیق و بازپرسان پیشین دادسرای انقلاب اسلامی تهران را تأیید میکند. از نزدیک به یک ماه پیش، نحوه محاکمات در بسیاری از شعب دادگاههای انقلاب کیفیتاً تغییر کرده است. تعداد زیادی از زندانیان در این مدت آزاد شده‌اند که تنها نام آنها اعلام شده است. در میان آزادشدگان سرحاتاً نام و نشان کارمندان ساواک هم دیده میشود. به‌لاوه در میان آزادشدگان نام عمل معروف رژیم شاه هم دیده میشود. برای مثال میتوان از دکتر جهان‌نشاء صالح، پزشک مخصوص شاه مخلوع و خانواده او، سنا تورا تنصافی و شریک جنایات خاندان پهلوی، یا منصور ریاسینی، سرما یه‌دار وابسته و غارتگری که در رژیم شاه تنها از احتکار شیشه، میلیونها تومان غارت کرده و در تأسیس یکی از دستگاههای سروکوب رژیم، یعنی اتاق اصناف و هدایت آن، نقش اساسی داشته است، نام برد.

گذشته از اینها، از محاکمه صدها بازجو و افسر ارشدی که بجرم شکنجه و کشتار مردم دستگیر شده‌اند، هیچ خبری ددست نیست. با اینکه درد ادگاه تهرانی، جلا د معدوم ساواک معلوم شد که حسن ناصری معروف به عضدی، سر بازجو و شکنجه‌گر مخوف، که مدتی هم رئیس کمیته بود، دستگیر شده است، هنوز این عنصر خطرناک، که می‌تواند از طریق زندانیان آزاد شده با ضدا انقلابی رابطه برقرار کند و یا به شیوه‌هایی که سالها از سازمانهای جاسوسی امپریالیستی آموخته برای انقلاب خطرناک بزرگی ایجاد کند، به پای میز محاکمه کشانده نشده است.

نشانه‌های دیگری هم که در دست است، بروشنی از «کوتاه آمدن» دادگاههای انقلاب خبر میدهد. برای مثال میتوان از نحوه محاکمه دو جلا د ساواک، تهرانی و آرش یاد کرد که چگونه به‌دزخیم اجازه داده شد، دادگاه را به تریبونی برای ناسزا گوئی و سم‌پاشی

علیه کمونیست‌ها مبدل کنند. گذشته از همه اینها، نگاهی به محاکمات انجام شده در یک ماه گذشته در بیشتر شعب دادگاههای انقلاب نشان میدهد که، در حالی که مهره‌های ساده رژیم، مثل پاسپانها و یا سربازان، به جوخه اعدام سپرده میشوند، سیهاترین جنایتکاران رژیم سابق یا تیر نه‌میشوند و یا اینکه میزان محکومیت آنها، در قبال جنایاتی که انجام داده‌اند، با تیر نه تفاوت چندانی ندارد.

در این مورد میتوان از سخنان قضات به‌امام نمونه آورد که گفته‌اند: «بعد از تصفییه دادگاه، حسین مومن، رئیس تیم تعقیب و مراقبت ساواک منحل، که مستقیم و غیر مستقیم باعث قتل بیش از سی هزار نفر از انقلابیون بوده است و پیرونده این شخص را به ضرورتان آوردیم و در حضور قاضی شرع و بازپرسان و قضات تحقیق فرمودید، مفسد فی الارض است. اما حال این شخص به چهار سال زندان محکوم شده است...»

کیفرخواست دادستان دادگاه انقلاب اسلامی و اعتراضات این مأمور ساواک در دادگاه نظرات قضات را تأیید میکند. در کیفرخواست دادستان اتهامات حسین مومن، بر اساس اظهارات خود او و همکارانش، از جمله چنین اعلام شده است: «تعقیب و مراقبت افراد مبارز و مجاهد، شرکت در قتل مجاهد شهید شیخ عباس تهرانی، تعقیب ناصر صادق، شرکت در درگیری با حیدر اشرف...»

سابقه دادگاهها نشان میدهد که جنایتکارانی در این حد، به جوخه اعدام سپرده شده‌اند، اما حسین مومن، که ۱۲ سال در تعقیب مبارزان شرکت داشته و در اعتراضات خود منکر جنایات بالا، غیر از یک مورد، هم نشده است، به ۴ سال حبس تادیبی محکوم شده است.

در همین دادگاه، غلامعلی امیدیان، سرپرست یکی دیگر از اکیپ‌های تعقیب کمیته‌های شکنجه و اعدام شاه سابق، تبرئه و آزاد شده است، در حالی که دادستان اتهامات او را از جمله به این شرح در کیفرخواست آورده است: «همکاری با کمیته جهنمی اوین، تعقیب و مراقبت افراد مبارز و مجاهد، شرکت در قتل مجاهد شهید عباس تهرانی...»

این عامل رژیم، که قبل از انتقال به کمیته، افسر شهربانی و عضو تیم کلاسه‌بازا بود و به اعتراف خودش محافظت از رحیم علی خرم (سرما یه‌دار وابسته‌ای که به حکم همین دادگاهها اعدام شد) را به عهده داشته، از اتهامات منتسبه تبرئه شده و به او ابلاغ شده است که بخدومت صادقانه مورد علاقه خود ادامه دهد!

درواقع با این حکم، به یکی از سرپرستان گروههای آدم‌کشی شاه اجازه داده شده است که به شهربانی برگردد.

با توجه باین قرائن، به نظر میرسد که محافل موافق شده‌اند کار دادگاههای انقلاب را کند کنند. سخنان قضات پیشین دادسرای انقلاب اسلامی هم که به‌امام گفته‌اند: «با توجه به اینکه ما حقوقدان بودیم، به دلایل مبهم دادسرای انقلاب را تصفییه کردند... ما آمده ایم اعلام کنیم جلوی عمل صحیح تنهارگان انقلابی را گرفتند»، نظر ما را تأیید میکند.

در تأیید بیشتر این نظر، باید از نظرات وسیع مردم نجف آباد در هفته گذشته یاد کرد که برای اعتراض به حکم صادره درباره دو عامل کشتار مردم نجف آباد، انجام و منجر به تعطیل شدن شهر شد. مردم نجف آباد اعتراض داشتند که دو عامل وقایع خونین نجف آباد را، که در روزهای یازدهم و دوازدهم محرم سال گذشته، صدها نفر را کشته و دهها خانه و منازعه را ویران کرده‌اند، دادگاه به ۲ و ۴ سال حبس تادیبی محکوم کرده است.

باید به صراحت گفت: ادامه چنین وضعی، یعنی کند شدن قاطع‌ترین ارگان انقلاب بزرگ‌خوئن ایران، در واقع کند یا متوقف شدن محاکمه جنایان رژیم سابق و احتمالاً بازگشت گروهی از آنها به میان مردم است. در شرایط امروز ایران، مرده‌ای از این بزرگ‌تر نمی‌توان به ضدا انقلاب داد و هیچ چیز امپریالیسم و ارتجاع زخم‌خورده را بیشتر از این خوشحال نمیکند. ضدا انقلاب، با کند شدن کار دادگاهها، با دلگرمی بیشتری به میدان می‌آید و این سبب خواهد شد که تعداد زیادی از توده‌های قهرمان ما در مبارزه با ضدا انقلاب جان خود را از دست بدهند.

حزب توده ایران، با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران هشدار میدهد که، که کند شدن کار دادگاهها معنایش تیز شدن تیغ ضدا انقلاب است. ما طرفدار مجازات بی‌رویه و خارج از قاعده هیچ متهمی نیستیم؛ اما معتقدیم که فعالیت دادگاههای انقلاب تا ریشه کن شدن امپریالیسم و بازماندگان رژیم پهلوی باید قاطعانه ادامه داشته باشد.

سفیر ایران در کویت واقع بین است

آقای علی شمس اردکانی سفیر ایران در کویت، در مصاحبه‌ای با روزنامه سیاسی، به ایالات متحده امریکا هشدار داد و اظهار کرد که از نیروی نظامی، به‌بهانه حراست از امنیت واردات نفتی از منطقه خلیج فارس، استفاده نکند.

او گفت که اگر آمریکا تهدید خود را در مورد تصرف چاههای نفت عملی کند، این خطر وجود دارد که تولید نفت دستکم تا شش ماه قطع شود.

آقای اردکانی گفت: ما در ایران احساس خطری از جانب اتحاد شوروی نمی‌کنیم و کمونیست‌ها نیز تهدیدی برای منطقه خلیج فارس نیستند، بلکه تهدید واقعی از جانب امریکائی‌هاست. او تأکید کرد که ایران به هیچ کشور خارجی حق مداخله در خلیج فارس را نمیدهد و یک میلیون انقلابی مسلح در ایران با مهاجمان خواهند جنگید. آقای اردکانی بدستنی تأکید کرد که ما متقاعد شده ایم که امریکا هیچ امکان و فرصتی را برای درهم کوبیدن ما از دست نخواهد داد، زیرا که انقلاب اسلامی در ایران بزرگترین پایگاه اقتصادی و نفتی آمریکا، یعنی رژیم شاه مخلوع را سرنگون کرده است.

بعقیده ما این سیاست ناشی از واقع بینی و دوری از هر نوع پیشداوری است، و با آینده‌نگری انقلابی که در خود دارد، مورد تأیید ما نیز هست و باید الگوئی باشد برای آندسته از سیاستمداران و رهبران و نظریه‌پردازان انقلاب ایران، که گاه بسا اظهارات بی‌مسئولیت خود و با تعویض چهره اصلی نبرد، در حقیقت به تحکیم موقعیت متزلزل امریکا در ایران کمک میکنند. و این در حالی است که آمریکا، بکرم عوامل خود، سخت در تلاش یک یورش همه جانبه حتی با دخالت مستقیم نظامی در خلیج فارس علیه انقلاب ایران است.

مدیر عامل شرکت فراری است

نماینده کارگران شرکت فرمان به‌روزنامه «مردم» نوشته است: «بیر و نامه ۲۲ خرداد ۱۳۵۸ مربوط به کارگران و کارمندان شرکت فرمان، چون از دادستان انقلاب حکم جلب مدیر عامل شرکت صادر شده است، ناامیده مدت دو ماه است که فراری است و بدینجهت تحقیق خواسته‌های کارگران معوق مانده است.»

مجلس یاد بود برای بزرگداشت رفیق فقید محمد رضا قدوه

از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران مجلس یادبودی برای بزرگداشت رفیق فقید محمد رضا قدوه، عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز پنجشنبه ۲۱ تیر ماه، ساعت ۷ بعد از ظهر در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی برگزار میشود.

دیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۸ ر ۴۱۷

رفیق محمد رضا قدوه، ما را ترک کرد...

پیوسته محیطی پر از شادی میآفرید. تا آخرین دم زندگی، روح جوانی و چالاکي و شوخ طبعی او را ترک نکفت. خویشتان و دوستان و همزمانش از او خاطرات فراوان دارند.

پس از انقلاب پیروز مندم مردم ایران، رفیق قدوه با ایران آمد و در فعالیت حزب و رهبری آن شرکت جست. او برای شرکت در جلسه شورای جهانی صلح به خارج رفت و در جریان این مأموریت، مرگ نا بهنکام او را از صفوف حزب بر کند. بنا به تشخیص پزشکان، علت در گذشت رفیق ارجمند ما، سرطان سریع‌التأثیر ریه بود. منسرك روز ۵ شنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸، در بیمارستانی در شهر هاله، چشمان رفیق ما را برای همیشه فرو بست.

خاطره روشن و تابناک رفیق ارجمند قدوه را همزمان، دوستان و خویشانش هرگز فراموش نمیکنند. نام وی در دفتر رزمندگان راه استقلال آزادی و ترقی میهن عزیز ما ایران تا ابد جاوید خواهد ماند. حزب توده ایران ویرا از فرزندان راستین خود میشمرد و یادش را گرامی میدارد. مجلس یاد بود رفیق فقید بشکل رسمی از جانب رهبری حزب برقرار خواهد گردید کمیته مرکزی حزب توده ایران به تمام بازماندگان آن رفیق فقید و همه رفقای حزبی، درگذشت رفیق ارجمند قدوه را تسلیت میکوید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
شنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸

فعالیت وسیع سیاسی و مطبوعاتی و سازمانی، برای روشن نگاه داشتن اجاق و چراغ حزب و افتاء رژیم ددمنش محمد رضا پهلوی بجان کوشید. در این دوران رفیق قدوه یکرشته مقالات سودمند در مطبوعات نشر داد، که گزیده‌هایی از آن، بنا به تصمیم رهبری حزب، نشر خواهد یافت. رفیق فقید در مبارزات دشوار حزب، پیوسته در مواضع اصولی درست قراردادش و از این مواضع بسا هیجان و جسارت مدافعه کرد.

رفیق قدوه، در پیلوم هفتم کمیته مرکزی، بصورت کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب گردید و سپس بمقام عضویت هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب، که بالاترین مقام رهبری است، رسید و در این مقام پیوسته وظایف سنگین را با موفقیت و صمیمیت اجراء کرد.

در دوران مهاجرت، رفیق قدوه، بمواضع فعالیت حزبی و اجتماعی، استاد زبان فارسی در دانشگاه هاله بود و در تربیت گروه کثیری از جوانان آلمانی در زمینه پارسی‌آموزی و بنحو ثمر بخشی نوشید.

رفیق محمد رضا قدوه شور انقلابی و زندگی دشوار و پرتعب یک مبارز، زندان، مهاجرت و خطرهای گوناگون ناشی از نبرد انقلابی را بر یک گذران آرام و عادی ترجیح داد. وی در زمینه شعر کلاسیک، از جمله و غزل، دارای قریحه قابل ملاحظه بود. روحیه سرشار و سخنان طنز آمیزش

نظر حزب توده ایران

درباره انتخابات مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هموطنان عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی نامه سرگشاده‌ای، پیش‌نویس قانون اساسی را در مجموع مثبت ارزیابی کرده و نظر خویش را درباره اصلاح و تکمیل و رفع نقائص پیش‌نویس قانون اساسی بتفصیل اعلام داشته است.

اینک مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی تشکیل میشود و قرار است انتخابات این مجلس در مرداد ماه انجام پذیرد.

انقلاب بزرگ مردم ایران هدفهای زیرین را در برابر خود قرار داده بود:

ریشه‌کن ساختن نفوذ امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژیک، سرنگون ساختن رژیم سلطنتی وابسته پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، تأمین و تضمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک، سالم‌سازی و توسعه اقتصادی ملی در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم، تأمین و تضمین حقوق ملی خلقهای ایران، اتخاذ سیاست خارجی مستقل، غیر متعهد، صلحجویانه و برابر حقوق.

پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران، بقیمت قهرمانیها و فداکاریهای کم‌نظیر توانسته است تا کنون به دستاوردهای بزرگی بشرح زیرین نائل آید:

سرنگونی رژیم سلطنتی وابسته پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، محاکمه و مجازات عده‌ای از عمال تبه‌کار و خیانتکار رژیم گذشته، مصادره بخشی از اموال غارتی خانواده پهلوی که در ایران باقی مانده بود، ملی کردن بانکها و بیمه‌های خصوصی، ملی کردن صنایع متعلق به سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، خروج از پیمان تجارزکارانه سنتو و وارد ساختن ایران در جرگه خلقهای غیر متعهد، برچیدن پایگاههای نظامی امریکائی از ایران و اخراج بخش بزرگی از مستشاران امریکائی و انگلیسی، خودداری از فروش نفت به اسرائیل و افریقای جنوبی، استقرار روابط سیاسی با جنبش‌های رهایی بخش فلسطین، قطع رابطه با رژیم سادات، تأمین آزادی احزاب، سندیکاهای، مطبوعات و اجتماعات، اقداماتی بسود قشرهای زحمتکش جامعه و غیره.

هیچ انقلابی در ایران، در گذشته، به چنین دستاوردهای بزرگی نائل نیامده بود. در تثبیت این دستاوردهای مهم و گسترش آن، حزب توده ایران رهبری قاطع و بصیرانه امام خمینی زاداداری سهمی انکار ناپذیر میداند.

ضد انقلاب میکوشد تا با ایجاد توطئه‌های رنکارنگی از «چپ» و راست در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برانقلاب ایران و دستاورد های مهم آن سایه بیفکند و تا آنجا که بتواند رهبری انقلاب را تضعیف کند، از تیلور نتایج عملی انقلاب جلوگیری بعمل آورد و آنرا مسخ و دم بریده سازد. ضد انقلاب تمام مساعی خویش را برای توطئه گری علیه تصویب هر چه سریعتر قانون اساسی و مسخ کردن آن در جهت ضد خلقی بکار میبرد.

بر پایه دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بخاطر تثبیت و گسترش آن و برای عقیم ساختن توطئه‌های رنکارنگ ضد انقلاب حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی مربوط به «مجلس بررسی نهایی» شرکت میجوید و بنوبه خود از نیروهای سیاسی و اجتماعی دعوت میکند که در این جهت صحیح عمل کنند.

حزب توده ایران پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب و مبارزه برای تثبیت و گسترش آن و پشتیبانی از رهبری امام خمینی را از شرایط اساسی یک نامزد شایسته «مجلس بررسی نهایی» میشمرد و آمادگی خود را برای مشورت با احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی بمتظور تعیین چنین نامزدهائی اعلام میدارد و برای ابتکار عملا نیز اقدام خواهد کرد.

حزب توده ایران آماده است تمام مساعی خود را در راه تنظیم یک قانون اساسی درخور انقلاب ایران و خلقهای فداکار این سرزمین بکار برد و به اهمیت عظیم تاریخی این مسئله نیک واقف است.

همه با هم در راه یک قانون اساسی ملی، دموکراتیک، خلقی و مترقی، که بتواند در جامعه عدالت را برقرار کند و آنرا بسوی استقلال، دموکراسی، ترقی و رفاه همگانی سوق دهد و نام میهن کهنسال ما را در جهان بازم بلند آوازه‌تر سازد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۶ تیرماه ۱۳۵۸

ضد انقلاب در کردستان

بقیه از صفحه ۱

همین حال عناصر مرتجع و فئودالهای سرسپرده رژیم سابق باین عناصر در ارتباط هستند و با آنان همکاری نزدیک دارند.

ارتباط سپهبد صیادیان، رئیس ساواک منحل آذربایجان غربی، و سروان فراری گارد جاویدان، اسماعیل یزدانفر، با شیخ طاهر معروف به شیخ گزگزک و عبدالله بایزیدی بقدری نزدیک و آشکار است که حتی صیادیان در جلساتی که از جانب فئودالها و عناصر ضد انقلابی محل مخفیانه تشکیل شده، حضور می‌یابد و برای آنان نقشه و دستور عملیاتی طرح میکند. سروان فراری اسماعیل یزدانفر، از گارد جاویدان، اکنون فرمانده گروه‌های مسلح یکی از طوایف ضد انقلابی کرد است.

امام حسنی، نماینده کمیته امام در ارومیه، چندی پیش با شیخ طاهر، که سالهای متمادی از نوکرهای خانزاده شاه مخلوع بوده، ملاقات میکند و پیشنهاد تقسیم اسلحه میان فئودالها را بنا او در میان میکند. بدنیال این ملاقات، شیخ طاهر جلسه مشاوره‌ای اندوستان خود تشکیل میدهد و مسئله تقسیم اسلحه را مطرح میکند. در این مجلس، شیخ طاهری، عصمت خان زوزا، ابراهیم نوذری، رئیس طایفه قدر، از ایزل منگور، بایزید آقا، از طوایف مروت و شم و محمد امین کاک سوار شرکت میکنند. پس از یک هفته از پایان این جلسه، از طرف امام حسنی، در حدود هزار قبضه تفنگ بر نو در اختیار شیخ طاهر گذارده میشود، که تعداد ۱۵۱ قبضه آن برای محمد امین کاک سوار، ۲۴۹ قبضه دیگر برای فئودال دیگر ۲۰۰ قبضه برای عبدالله بایزید آقا و شصت قبضه برای عصمت خان زوزا ارسال میشود و تعدادی هم به ابراهیم نوذری تحویل میگردد.

گروههای مسلح این فئودالها، بدستور اربابان خود و با رهنمودهای سپهبد فراری صیادیان و سروان گارد سابق یزدانفر، برای اهالی روستاها مزاحمتهائی فراهم می‌آورند و در روستاها و راهها به غارت و راهزنی میپردازند، به خانه‌های آنان میریزند، گاو و گوسفند آنانرا به غارت میبرند و با ارباب و تهدید و وعده‌های پرداخت پول، آنها را برای اجیر شدن در گروههای مسلح ضد انقلابی تبلیغ میکنند. دهقانان که با چنین وضعی روبرو هستند، در بدر در بی یافتن اسلحه برای دفاع از جان خود و خانواده‌ها پشان میگرددند، حتی گاو و گوسفند خود را برای خریدن اسلحه میفروشند. فئودالها و اربابان سابق، به انکاء گروههای مسلح خود، به دهات میروند و با تهدید، سهمیه اربابی خود را از دهقانان طلب میکنند.

حوادثی که چندی پیش در قریه تورکش روی داد، ناشی از همین تعرضات و مزاحمتهای فئودالها و گروههای مسلح متعلق به آنان بود. در نتیجه این حوادث هفت نفر از طرفین کشته شد. حدود صد قبضه اسلحه از گروههای ضد انقلابی به غنیمت گرفته شد. بدنیال این حوادث، شیخ طاهر گزگزک فرار کرد و به پادگان پیرانشهر، که در اختیار ارتش است، پناهنده شد، و شکفت اینک، پادگان بعوض اینکه او را دستگیر کند، بوی پناهندگی داد.

پس از این رویداد، جمعی از فئودالها، با گروههای طرفدار خود، به مهاجرت رفتند و به مقامات دولتی آنجا اولتیماتوم دادند، که اگر کسی در امور آنها دخالت کند، راه شوشه مهاجرت به سر دشت را خواهند بست. پس از این عمل، شورای انقلاب اسلامی مهاجرت تشکیل جلسه داد و از مردم برای مقابله با گروههای مسلح راهزنی و ضد انقلابی یاری طلبید. در این هنگام از جانب نیروهای مسلح ضد انقلاب، برای حمله بزندان مهاجرت و فرار دادن شکنجه‌گر معروف ساواک، خداپوست که سالها مأمور شکنجه و کشتار عده‌ای از میهن پرستان و آزادیخواهان بوده، طرح دیگری ریخته شد. اجرای این طرح بوسیله گروهی مسلح، به سرکردگی دو تن از اواباشان معروف، عبدالله منگوری و محمد امین مهر بانی انجام میگردد. دو نفر نامبرده گروه مسلحی بنام «ضربت» تشکیل داده‌اند و به راهزنی مشغولند و در ضمن با عناصر ساواکی از قبیل، صیادیان و دیگر سر سپردگان رژیم سابق در ارتباط هستند.

اما مردم مهاجرت با هشامیاری انقلابی، اجرای این طرح را با شکست مواجه کردند. یعنی پس از اطلاع از این جریان، به راهزنان حمله کردند و سران آنها را دستگیر و تحویل شهر بانی دادند. در همین زمان در منطقه آمیه سیری، سه بر خورد مسلحانه میان روستائیان و عناصر فئودال این منطقه روی داد. اهالی مهاجرت، به کمک روستائیان رفتند و بدینسان منطقه آمیه به تصرف روستائیان درآمد. در این درگیری یزدانفر، افسر گارد جاویدان، که در میان گروههای مسلح فئودالها بود، دستگیر شد و عده‌ای از متجاسرین به کوهستان گریختند و روستائیان مسلح به تعقیب آنها رفتند. در این حادثه، در روستای آمیه، بیش از ۱۵۰ قبضه تفنگ بر نو بدست آمده است. این خود دلیل قانع کننده بر این واقعیت است که این همان سلاحهائی است که از جانب امام حسنی، نماینده کمیته امام ارومیه، در میان فئودالها تقسیم شده است.

بعد از ظهر روز ۲۸ خرداد گروه مشکوکی که سواد ماشین بودند، هنگام عبور از خیابانهای سقز، شروع به تیراندازی کردند. شب هنگام همان روز، همین گروه، هنگام عبور از سراسر کمیته انتظامات شهر، دوباره شروع به تیراندازی کردند، که از سوی کمیته و گروهی از مردم متقا بلا به آنها تیراندازی شد. در نتیجه آنان مجبور به فرار از شهر شدند و بطرف بوکان متواری گردیدند. ساعت یک بعد از نیمه شب، که این گروه دوباره از بوکان عازم سقز شدند، در «سرا» دچار حادثه‌ای گردیدند که بر اثر آن، دو نفر آنها زخمی و دو نفر دیگر کشته شدند. پس از شناسائی معلوم شد که دو نفر مقتول،

عده‌ای از دوستان تقاضا کرده‌اند که سرود حزب در روزنامه «مردم» چاپ شود. خانی حتی از سندج تلفنی صحبت کرد و درخواست داشت که سرود چاپ شود تا همه بتوانند در میتینگها و گردهم آئی‌ها آنرا بخوانند. «مردم» سرود حزب توده ایران را چاپ میکند.

سرود حزب توده ایران

برشکن هر سد اگر خواهی آزادی

برفکن از پی نظام استبدادی

از تلاش ما ظفر یابد داد

عرصه ایران رهد از بیداد

حزب ما توده را سازد پیروز

می‌رسد فردایی از پی امروز

از رزم است گر خلقی شد رسته زبند

از رزم است هر خلقی قدرتمند

اختر رزم ارانی تا تابنده است

شیوه روز به سزای هر زرمنده است

مهر آزادی رسم و راه ماست

یاری مردم جان پناه ماست

حزب ما توده را سازد پیروز

می‌رسد فردایی از پی امروز

از رزم است گر خلقی شد رسته زبند

از رزم است هر خلقی قدرتمند

کار و دانش را به تخت زربنشام

دیو استعمار ز خانه بیرون رانیم

توده زحمت بهره ور نکوست

صاحب خاک پاک میهن اوست

حزب ما توده را سازد پیروز

می‌رسد فردایی از پی امروز

از رزم است گر خلقی شد رسته زبند

از رزم است هر خلقی قدرتمند

یکی عثمان رشیدیان، دانشجوی سابق دانشکده افسری است و یکسفر دیگر شخصی بنام رسول بهرامی است که در گذشته صاحب مغازه‌ای بوده. از دونفر زخمی، یکی ابراهیم مصحفی، میوه فروش، و دیگری محمد نام دارد که شغلش در سابق چوب‌فروشی بوده است. همه این اشخاص در سابق با ساواک همکاری داشته‌اند.

شب هنگام اول تیرماه، عده‌ای مسلح به قریه «قره بقره» در دهستان خوخوره حمله میکنند، در حمله به خانه یکی از اهالی ده، پول و اسلحه طلب میکنند و در نتیجه امتناع صاحبخانه، سروصدائی برپا میشود و اهالی قریه جمع میشوند، افراد مسلح، ضمن تیراندازی، پا بفرار میگذارند. روستائی صاحبخانه مورد اصابت گلوله قرار میگردد و به بیمارستان منتقل میشود.

روستائی مجروح اظهار نمود که راهزنان را میشناسد که از گروه مسلح محمد صدیق جاف اند که در منطقه به خرابکاری و راهزنی مشغولند، محمد صدیق جاف از سرکردگان گروههای راهزنی و ضد انقلابی است که روستائیان سرشیر و خوخوره را تحت فشار قرار داده آنها را تهدید میکند و از آنها باج میگیرد.

در چهارم ماه جاری، از طرف نیروهای سیاسی، به پیشنهاد امام جمعه شهر، تظاهراتی بلامت اعتراض علیه اقدامات گروههای مسلح ضد انقلاب برپا گردید که هواداران حزب توده ایران نیز با شعار: «فعالیت عوامل ارتجاع و ضد انقلاب ما را به وحدت بیشتر و محکمتری فرا می‌خواند»، در این تظاهرات شرکت کردند.

در این تظاهرات شعارهائی علیه ارتجاع و امپریالیسم امریکا و عوامل داخلی آنها و بخاطر دفاع از امنیت زحمتکشان شهرها و روستاهای این منطقه و نیز شعارهائی علیه اقدامات تجاوزکارانه عوامل دولت عراق در مناطق مرزی ایران، در دفاع از حقوق زحمتکشان خلق کسرد بچشم میخورد. گروهک‌های مائوئیستی و کسانیکه از جانب آنان تحریک شده بودند طبق معمول، در این تظاهرات به دادن شعارهای تفرقه افکنانه و اقدامات تحریک آمیز پرداختند.

شبه دوشنبه چهارم تیر، اتوبوس شرکت اتوعدل، که از تهران عازم سقز بود، در ده کیلومتری بیجار بسوی دیوان دره، در معرض حمله گروههای مسلح راهزنی قرار گرفت. کمک راننده کشته شد و یک تن از مسافران مجروح گردید.

همه این رویدادها نمایانگر آنست که در منطقه کردستان، گروههای مسلح و راهزنان، فئودالها و عناصر ارتجاعی محل، بوسیله عوامل خود که در بیشتر سازمانهای انتظامی محل رسوخ کرده‌اند، با دستور و همکاری بازمانده‌های رژیم سابق، افسران و ساواکیهای فراری، از قبیل صیادیان، پالیزیان، محوری و یزدانفر به عملیات ضد انقلابی و دستبردهای مسلحانه در این منطقه مشغولند و دامنه عملیات خود را گسترش میدهند. و نیز این رویدادها نشانه آنست که مقامات مسئول کمیته‌ها و پاسداران انقلاب و پادگانها و مأمورین انتظامی محل، برای جلوگیری از این اقدامات دستگیری مسببین و محرکین اصلی اینگونه عملیات، تدابیر جدی اتخاذ نمیکنند. بدین ترتیب امنیت اهالی و دستاوردهای انقلاب در این منطقه حساس مرزی کشور که بدون آنها درگیر معضلات سیاسی و ملی و اجتماعی بفرنجی است، با خطری جدی روبروست.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

۳۵- ازباده	۵۰۰۰ ریال	حسینقلی	۳۰۰۰
ب- ۲۹	۱۰۰۰۰	پس انداز کودک یک خانواده	۱۰۰۰
ج- ۲۲	۵۰۰۰		۱۲۰۰۰
ل- ۲۵		مسعود	۷۰۰۰
گروهی از هواداران حزب		الف.ت.ر	۲۰۰۰
در صحنه			

اعتراض کارگران نساجی شماره ۱ قائم‌شهر (شاهی سابق)



روز شنبه ۲۶ اردیبهشت ۵۸ کارگران نساجی شماره ۱ قائمشهر بمنظور اعتراض به عدم تصفیه افراد ناباب کارخانه، دست از کار کشیدند و در خانه کارگر، واقع در محل کارخانه، اجتماع کردند. بیشتر کارگران این کارخانه بیش از ۳۰ سال سابقه کار دارند، شاید در مورد این کارخانه بتوان گفت که تعداد کارگران جوان آن، اگر با کارگران پرسابقه برابری نباشد، از آن کمتر است. کارگران زن کارخانه هم در این توده مردان در این اعتراض شرکت کرده بودند.

یک کارگر زن اظهار میداشت که ۴ سال سابقه کار دارد، حقوق این کارگران، که اغلب علاوه بر زن و فرزندان، هزینه زندگی پسر و مادر نیز بردوش آنان است، بسیار کم است و ندرتاً حداقل معیشت آنان را تأمین میکند. مثلاً کارگر تراشکاری که ۳۵ سال سابقه کار در این کارخانه دارد و از نظر کاری که انجام میدهد واقفاً برای کارخانه ارزشمند است. با حقوقی که دریافت میکند (روزی ۶۰ تومان) باید هزینه زندگی خود و زن و چهار فرزند و پدر و مادرش را تأمین کند. این کارگر میگوید: «بارها کاری را که دیگران نتوانسته‌اند انجام دهند و حتی خود متصدیان از انجام آن عاجز مانده‌اند، من با ابتکار شخصی خود بخوبی انجام داده‌ام، ولی نه تنها تشویق نشده‌ام، بلکه در گرفتن اضافه کاری و پاداش هم حق مرا ضایع کرده‌اند.»

این کارگران که در زمان رژیم منفور پهلوی انواع نامالایه‌ها دیده‌اند، اکنون فریاد بر می‌آورند که دیگر بس است، مفتخوران که تساکون از دسترنج ما توپ‌های گدائی خود را می‌انباشند، اکنون که انقلاب خلق‌های ایران بشر رسیده، حال و هوای آریامهری را از سر بدر نکرده‌اند و پروش گذشته می‌خواهند بهره‌کشی از نیروی کار ما را همچنان ادامه دهند.

کارگران این کارخانه در اجتماع گذشته‌شان حدود یکماه پیش بمنظور از میان برداشتن تبعیضات و نابرابریها، توافق کرده بودند که اضافه کاری همه قطع شود. کارگران همچنین خواستار قطع اضافه کاری متصدیان قسمتهای کارخانه شده بودند. این متصدیان بی آنکه کاری انجام دهند،

در محل کار میگردند و حقوق آنها ماهیانه واریز میشود و علاوه بر آن بابت کاری که هرگز انجام نداده‌اند، اضافه کاری هم دریافت میکنند. کارگران که این جز از طریق بندوبست با مدیر عامل و رئیس کارخانه امکان پذیر نیست.

این خواست منطقی کارگران مورد قبول روسای کارخانه واقع شده بود. چند نفر از کارمندان کارخانه بنهایی بکارگران اطلاع میدهند که مدیر عامل کارخانه مجرمانه لیستی برای دادن اضافه حقوق به متصدیان کارخانه تهیه کرده است. این موضوع کارگران را برآشفته میکند و همه کارگران در یک زمان دست از کار میکشند و بدقت مدیر عامل کارخانه میروند و با شدیداً اعتراض میکنند. کارگران که شیفت روزکارند و تعدادشان به ۸۰۰ نفر میرسد، در اجتماع خود در خانه کارگر، بعد از اینکه نماینده کمیته قول رسیدگی داد، برای اینکه آنها را «ضد انقلابی» فحوا کنند و وقعه‌ای در تولید بوجود نیاید به سرکارهای خود بازگشتند و اعلام کردند که دوسه روز مهلت میدهند تا به خواسته‌های آنها که عبارتند از:

- ۱- اخراج مفتخوران و همکاران ساواک از کارخانه.
- ۲- قطع کلیه اضافه کاری در مورد کلیه کسانی که کار نمیکنند و حقوق دریافت میدارند.
- ۳- استرداد خانه‌های سازمانی از کارمندانیکه خانه شخصی دارند و آنرا اجاره داده‌اند.
- ۴- رسیدگی به طبقه بندی مشاغل کارگران.
- ۵- قطع تلفن‌خانه‌های سازمانی که بطور رایگان از آن استفاده میشود.
- ۶- تشکیل سندیکای واقعی و شورای ۷ نفری

رسیدگی شود. قرار شد طی یک هفته به خواسته‌های کارگران رسیدگی و پاسخ مقتضی داده شود و چنانچه پس از یک هفته خواسته‌ها، آنان عملی نشد، کارگران دست باعصاب خواهند زد.

کارگران شرکت راهسازی پیسا چه میگویند؟

دراول تیرماه کارگران شرکت مذکور، که تعداد آنها نزدیک به ۲۰۰ نفر است، به استانداری مازندران، در ساری، مراجعه و خواسته‌های خود را بشرح زیر مطرح نمودند:

- ۱- پرداخت حقوق ایام بیکاری از زمان انقلاب تا کنون،
- ۲- پرداخت دستمزد روز جمعه، با احتساب ۳۵ درصد، که در زمان اشتغال کار کرده، ولی دریافت نشده است،
- ۳- پرداخت کلیه وجوه مرخصی سالیانه، که از طرف کارفرما پرداخت نشده است،
- ۴- پرداخت دستمزد روزهای تعطیل رسمی کارگری با احتساب ۳۵ درصد،
- ۵- پرداخت وجه اضافه کاری روزانه حداقل ۲ ساعت، با احتساب ۳۵ درصد، که کارفرما بجای ۸ ساعت کار روزانه، در تمام مدت، روزی ۱۱ ساعت از کارگران کار کشید،
- ۶- پرداخت حق عائله‌مندی (حق اولاد)،
- ۷- پرداخت سابقه کار در تمام مدت کار کردن،
- ۸- حق مسکن و خواروبار،
- ۹- پاداش وعیدی که کارفرما از دادن آن سر باز زد،
- ۱۰- حق یک وعده غذای گرم در روز،
- ۱۱- هرچه زودتر کارگران توسط شرکت مشغول بکار شوند. خواسته‌های فوق، که از طرف کارگران شرکت مطرح شده، نشان میدهد که شرکت مذکور هیچگونه اصول و قوانین کار را رعایت ننموده و به بیرحمانه‌ترین شکل کارگران را استثمار کرده است.

کارگران شوکت ایران ویلیز از کمی دستمزد و بدی شرایط کار شکایت دارند

کارگران شرکت ایران ویلیز (در کرمانشاه) که تعمیرگاه جیبی ویلیز و کامیونهای خاور و بنز است، از روز دوم تیرماه دست باعصاب زده‌اند. علت اعتصاب، تقاضای اضافه دستمزد است. روز اول اعتصاب، کارگران در محوطه شرکت جمع شدند و خواسته‌های خود را شفاهاً اعلام کردند که توجهی بدان نشد. از آن پس کارگران هر روز با اجتماع خود ادامه داده‌اند، ولی هنوز نتیجه نگرفته‌اند. کارگران به اداره کار و استانداری برای اضافه دستمزد و بهبود شرایط کار و از جمله سرویس و غذا شکایت کرده‌اند، اما هنوز به آنها پاسخی داده نشده است.

کارفرما حاضر به پذیرش نماینده واقعی کارگران نیست

اکثریت مطلق کارگران جیبی ری، یکی از کارگران را بنام منصور سماواتی، بعنوان نماینده خود معرفی کرده‌اند. این کارگر مبارز، که در دوران اختناق هم نماینده کارگران بوده و در راه احقاق حقوق کارگران زندان رفته و شکنجه دیده، در آخرین اعتصاب کارگران نساجی در دوران قبل از انقلاب نیز، رهبر اعتصاب بوده و همانوقت از کار اخراج شده است.

(البته پس از آنکه زندانی شده و شکنجه دیده است) ساواک به او اجازه اشتغال مجدد را نمیداد و کارگران با اختصاص مبلغی از دستمزد خود، زندگی او را تأمین میکردند. پس از پیروزی انقلاب، کارگران خواستار بازگشت مجدد او بکار شدند و او را بعنوان نماینده خود برگزیدند. ولی کارفرما و صاحب کارخانه جداً با این انتخاب مخالفت کردند. چندین بار برای انتخاب نماینده رأی گیری شد و سماواتی پیروز شد، ولی کارفرما حاضر نیست به نمایندگی او تن در دهد. در این کارخانه ۳۰۰۰ کارگر مشغول کارند.

سندیکای کارگران قالیباف تبریز:

دیگر نمیخواهیم در شرایطی کار کنیم که سالها کار کرده ایم

هیئت مدیره سندیکای کارگران قالیباف تبریز، شرحی درباره شرایط کار و زندگی کارگران قالیباف به وزیر کار و امور اجتماعی نوشته است که ذیلاً بخشی از آنرا نقل میکنیم:

مقام معظم جناب آقای وزیر کار و امور اجتماعی دولت انقلاب اسلامی

بطوریکه استحضار دارند، کارگران ایران در طول دوران اختناق رژیم منفور و کثیف دودمان پهلوی، دچار چه مصیبت‌ها شده و هستی مادی و معنوی‌شان به تاراج رفته است که اینک نه دارای رفاه مادی هستند و نه معنوی. و بر این معنا بود که یکپارچه ملت ایران به پاخواست تا بدان دوران تاریکی پایان بخشند و در این مبارزه نظر به بیشترین صدماتی که قشر پایین جامعه در آن دوران سراسر ظلم و استبداد تحمل کرده بود، لذا بیشترین تلاش را کرده و کارترین ضربه را بر بیکر دیوان و اهریمنان وارد ساخت. در این مدت به لحاظ ضعف امکانات مادی کارگران و به وجود آمدن بیکاری دچار گرفتار نیازهای ضروری زندگی شدند که مسائل وام و غیره پیش آمد و در این میان وضع کارگران قالیباف از تمام صنفها رقت بار تر بوده و هست و این نه تنها به دلیل اینکه این وضع در طول مبارزات اخیر بوجود آمده است، بلکه اساساً مربوط میشود به سراسر تاریخ قالیبافی و بخصوص دوران سراپا استثمارگری آنه رژیم منکوب پهلوی که در تمام طول این دوران شوم کارگران قالیباف اسفناک تر و ظالمانه تر از تمام صنفها مورد بهره‌کشی و استثمار قرار میگرفتند و چه مصیبت‌ها که ما کارگران قالیباف تحمل کرده‌ایم و میکنیم. ما کارگران قالیباف در اثر شرایط سخت کاری اکثراً سلامت جسمی و بخصوص بینایی مان را در سیاه کارخانه‌ها از دست داده‌ایم و فقر و بیکاری درد و درمانهایمان بیداد میکند و چه بشرمانه و بی انصافانه اربابانمان که سالها توان جسمی و معنوی مان را به بنیما برده‌اند. ما کارگران اعلام میکنیم که نمیخواهیم در شرایطی کار کنیم که سالها کار کرده‌ایم. لذا خواسته‌های برحقمان را اجمالاً در چند مورد ذیل خلاصه میکنیم:

- ۱- رسیدگی فوری به وضعیت کارگران قالیباف
- ۲- تشکیل تعاونیهایی تولید (کارخانه‌های دولتی) و تعاونیهایی فروش با شرکت خود کارگران قالیباف.
- ۳- ایجاد مسکن مناسب.
- ۴- بازنشسته کردن کارگران قالیباف پیر و اشخاصی که سلامتی‌شان را در کارگاه‌های تاریک و نمناک از دست داده‌اند.
- ۵- وادار کردن اربابها و صاحب کارخانه‌ها به دادن حقوق‌های معوقه و ایام تعطیلی اجباری کارگران.
- ۶- ایجاد امکانات درمانی و بهداشتی رایگان.
- ۷- رسیدگی به وضع خانواده‌های بی سرپرست و اشخاص بیکار.
- ۸- رسیدگی و حل فوری مسئله وام بیکاری و تک دستگاہی که هیچ مشکل اساسی را حل نمیکند.
- ۹- جلوگیری قاطعانه و فوری از بکارگرفتن اشخاص کمتر از ۱۶ سال و در صورتی که این چنین اشخاص متکفل مخارج خانواده‌شان باشند، دولت تأمین مخارج نموده تا بلکه از رشد جسمی و معنوی باز نمانند.
- ۱۰- ایجاد امکانات تحصیلی در شرایطی که امکان برای فرزندان کارگران قالیبافی و تشکیل کلاسهای بیکار با بسواد برای کلیه کارگران قالیباف و اجرای طرح ضربتی برای بسواد کردن کارگران قالیباف.

اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران قالیباف تبریز

پایان تحصن کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی

کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی در شانزدهمین روز تحصن خود، پایان تحصن خویش را اعلام داشتند. توافق شده است که امور پرسنلی کارکنان تا مرحله انتقال، بوسیله کارگزینی سازمان و همکاری امور اداری وزارت آموزش و پرورش انجام گیرد و حدود ۷۰۰ نفر

یک پیروزی دیگر برای کارگران کارخانه سوپور رنگ

در پی کشمکشهایی که از نخستین ماه سال جاری میان کارگران و کارفرمای کارخانه سوپور رنگ بر سر اجرای طبقه بندی مشاغل وجود داشت، کارگران این کارخانه از روز شنبه دوم تیر دست باعصاب زدند (کارفرما در اوائل خرداد قول داده بود که در این روز حقوق آنها افزایش خواهد یافت).

پس از شروع اعتصاب، کارفرمای کارخانه دیگر بکارخانه نیامد و دستور داد که آشپزخانه و نهارخوری را ببندند و باین دلیل وزارت کار از اوخواست که روز چهارم تیر به اداره کار کرج برود. در مذاکراتی که با شرکت نمایندگان کارگران و کارفرما در وزارت کار انجام میشود، کارفرما متعهد میگردد که از ۱۵ تیر ماه، طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا کند و ما به التفاوت آنرا از اول سال ۵۷ بپردازد. و یکمتر از ریال بر حق مسکن کارگران بیفزاید. کارگران از این بیکاری بسیار خوشحالند. در صحبتی که با یکی از کارگران این کارخانه داشتیم، میگفت:

«در کارخانه ما کودکان و کارگران فصلی زیاد است و کارفرما همیشه از این موضوع برای نقض حقوق ما استفاده میکرد که اینبار با اعتصاب یکپارچه توانستیم او را وادار به شناختن حق خود کنیم.»

توطئه ضد انقلاب کارکنان کارخانه «پی»

یوه رشت نامه سرگشاده‌ای به آقای مهندس بازرگان نخست وزیر نوشته و در آن از توطئه چینی علیه ضد انقلابی علیه کارکنان کارخانه پرده برداشته‌اند.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر میشود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی در شانزدهمین روز تحصن خود، پایان تحصن خویش را اعلام داشتند. توافق شده است که امور پرسنلی کارکنان تا مرحله انتقال، بوسیله کارگزینی سازمان و همکاری امور اداری وزارت آموزش و پرورش انجام گیرد و حدود ۷۰۰ نفر

آمریکا، مانع تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح



نقش چین در برابر کشورهای غیرمتعهد

روزنامه ساوتسکار آسیا با کشورهای غیرمتعهد را به تحکیم اتحاد خود در برابر ارتجاع بین الملل بالاخص چین، که قصد ایجاد تفرقه در جنبش آنها را دارد فراخواند.

ساوتسکار آسیا با همین نوشت: «چین از چند ماه پیش کوششهای وسیعی بعمل می آورد تا بر نفوذ خود در داخل جنبش عدم تعهد بیفزاید و وجهتی را به این سازمان تحمیل کند که پیش از همه با مقاصد امپریالیستی آنها سازگار باشد.»

ساوتسکار آسیا با متذکر شد که بسیاری از کشورهای غیر متعهد اعتقاد دارند که مداخله آشکار پکن در امور داخلی دولت‌های دیگر و روش خاص آن در مورد معطل گذاشتن حل مسائل کنونی مبارزه در راه صلح، تفاهم و خلع سلاح، کاملاً با اصولی که جنبش غیرمتعهدها بر آن متکی است، مغایرت دارد.

داستان «خبرهای خسته»

فشار رژیمندگان ساندینیست و افکار عمومی جهان عرصه را چنان برسوموزا این دیکتاتور غارتگر و خون آشام تنگ کرده است که دیگر رو در بایستی را کنار گذاشته و نقاب از چهره بر گرفته و صراحتاً اعلام کرده است که، «خبر خسته‌ای است که به جنگ با بیر برخاسته است.»

دیروز نوبت محمدرضا بود، امروز سوموزا و فردا «خبرهای خسته» دیگر، که بر اثر تنگی روزافزون عرصه فرمانروایی برای مرکوبان راهوار از بابان ماوراء بحار، «مرخص شوند و حتی نتوانند جو و علیق چند میلیادی خود را بی‌غدغه و هراس بخورند.

وضع انفجاری خرم آباد...

وضع و جرح توسط این عوامل که بر اسی جایشان نه در کمیته انقلاب، بلکه در محافل سری ضد انقلاب است، محروم نمایند. دادستانی و روحانیونی که با آنها مراجعه شده، بکلی پای خود را کنار کشیده و گفته اند که، هیچ اقدامی نمی‌توانند انجام دهند. برای مردم روشن است که این افراد،

باروش ضد انقلابی خود، عملاً در دستند که جنگ داخلی خیابانی در خرم آباد برآمده اند و ویک کانون تازه بحران و تشنج ایجاد کنند. ناحیه لرستان ناحیه حساسی است. باید جلوی این تحریکات خطرناک افراد مشکوک و نابابی

از کمک رفقا متشکریم

الف.ش ۵۰۰۰ ریال

آ.ش.ع ۶۰۰

علی.خ. (از اولین دستمزد پس از ۶ ماه بیکاری) ۵۰۰

بهزاد ۵۰۰۰

گروهی از هواداران حزب در کرج ۸۵۰۰

پوستر پاره کن های حرفه‌ای را دستگیر کنید

بر اساس گزارشهای رسیده، بیشتر این افراد از معتمدان و اوباشان ولگردها هستند.

در بلوار کشاورز چند جوان، که در کار دستگیری این افراد ناکام مانده بودند، ضمن اشاره به اینکه آنها دسته جمعی حرکت میکنند و تنها با فاصله چند قدم از یکدیگر راه میروند تا در صورت روبرو شدن با اعتراض مردم بتوانند از مهملکه بگریزند، بودند تا مشاهده اتشان را پشتوند توصیه میکردند که، هر جا آنها را دیدید، با هر مسلک و مرام که هستید، هیچ دستشان را بگیرد تا معلوم شود آنها سر نخشان کجاست و چه دستی پشت سرشان است.

عده‌ای پوستر پاره کن حرفه‌ای این روزها در خیابانهای تهران برای افشاده اند و پوسترها و عکسهای که روی دیوارها نصب شده پاره میکنند. خبرنگاران «مردم» در چند خیابان با این پوستر پاره کن های حرفه‌ای روبرو شده اند و دیده اند که آنها هر بار، پس از روبرو شدن با اعتراض مردم، خود را به خیابان رسانده و سوار اتومبیلی که با به پای آنها در خیابان حرکت میکرد، شده و توجه به امضاء پوسترها و نام سازمان و گروه و تشکیلاتی که پوستر متعلق به آن است ندارند آنها کیستند و چه تشکیلات و سازمانی آنها را برای این هدف بخندم گرفته است؛ مخصوصاً که

کارگران از حزب خود دفاع میکنند

چند روز قبل، در دانشکده علم و صنعت، از طرف مائوئیستها مجلس سخنرانی ترتیب داده شده بود. آنها سعی داشتند که مبارزات ۳۷ ساله حزب توده ایران را دگرگون جلوه دهند و سیاست کنونی حزب را در مورد پشتیبانی از امام خمینی به «سازش» تعبیر کنند. در این میان یکی از کارگران اداره برق قسمت نارمک، از گردانندگان برنامه تقاضا کرد تا با اجازه صحبت دهند. او خواست بعنوان یک کارگر بسا ارائه کارت شناسایی چند کلمه‌ای صحبت کند، اما با خواست او موافقت نشد. ولی دوست کارگر ما خود را پشت تریبون رساند و گفت:

«آقایان! شما که سنگ طبقه کارگر را بسینه مینویسید، من بعنوان کارگری که تماش مستقیم بسا واقیات زندگی کارگران داد و چندین سال در زندانهای مخوف محمدرضا شاه گذرانده سرد و گسرم روزگار را چشیده و دوست را از دشمن تشخیص میدهد بسا شما صحبت میکنم. اوبس از یک سخنرانی یکساعته درباره تاریخ حزب، گفت: «حزب توده ایران، حزب دوران سازمات. تحریف مبارزات حزب طبقه کارگر و اتهام خیانت و سازشکاری راه بجائی نخواهد برد. خورشید همیشه زیر این پنهان نمیماند. طبقه کارگر ایران حزب خود را بهتر از دیگران میشناسد.»

چون وابسته بوده ایم...

پایان دهیم و در صد احیاء استقلال نظامی و سیاسی ایران باشیم.

این منطق، که چون ما وابسته ایم، چاره‌ای جز ادامه قبول وابستگی نداریم، بامنطق انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه مردم ایران سازگار نیست. با آن در تناقض است. نمیتوان بدلیل وجود وابستگی، وابستگی را پذیرفت. نه فقط در عرصه خرید اسلحه، بلکه در تمام دیگر رشته های اقتصادی، مالی، فرهنگی و غیره. وابستگی را باید شکست و استقلال اقتصادی، سیاسی، نظامی، مالی و فرهنگی کشور را تأمین کرد.

اصولاً انقلاب برای رسیدن به همین هدف انجام گرفته است. مردم برای رسیدن به همین هدف جان بازی کرده و قربانیها داده اند. شکستن زنجیر وابستگی، البته در آغاز همراه با تحمل زیانهای مالی معینی است، ولی این زیانها پس از مدتی جبران خواهد شد و سپس با تأمین استقلال منافع عظیمی که در گذشته به

بقیه از صفحه ۱

گرفت که، چون ۴۰ میلیارد اسلحه خریداری شده و چون این اسلحه دائماً احتیاج به بدکی دارد و چون این اسلحه بیچیده است و احتیاج به متخصصان دولتهای فروشنده (امریکا و بلوک غرب) دارد، پس باید دائماً این بدکی‌ها را وارد کرد و دائماً از کارشناسان امریکائی و کارشناسان بلوک غرب استفاده کرد و چون اسلحه کهنه میشود و نمیتوان مملکت را از سلاحش محروم کرد، پس باید اسلحه تازه خرید و این اسلحه تازه باز احتیاج به بدکی و به کارشناس خواهد داشت و این دور تسلسل تا ابد ادامه خواهد داشت. زیرا هر وقت بخواهید زنجیر آنرا قطع کنید، «سلاح را به زباله دان» ریخته اند!

و اما از طرف دیگر همه میدانند و همه میدانیم و نخست وزیر نیز قطعاً متکر این حقیقت نیست که یکی از مهمترین وسیله وابستگی ایران به امپریالیسم، بویژه به امپریالیسم امریکا، همین فروش اسلحه و صدور مستشار و کارشناس بوده است. و وابستگی نظامی یعنی

کشورهای حوزه اقیانوس هند کنفرانس دو هفته‌ای در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک آغاز کردند. چهل و هشت کشور این منطقه ۱۴ دولت دریایی در این کنفرانس شرکت کردند. موضوع اساسی کنفرانس، بحث در مورد اجرای اعلامیه مربوط به تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح و تدارک کنفرانس وسیعتر در این زمینه است.

لکن سیاست امریکا در این منطقه ناقض این غرض صلحجویانه مملکتهاست. چنانکه به گزارش یونایتد پرس، سائروس ونس، وزیر امور خارجه امریکا، در کانبرا گفت:

امریکا در صدد است فعالیت دریایی خود را در اقیانوس هند توسعه دهد. وی همچنین آشکارا اعتراف کرد که امریکا می‌خواهد با پشتیبانی استرالیا بر تعداد کشتیهای جنگی و هواپیماهای خود، که در اقیانوس هند گشت می‌زنند، بیفزاید.

اتحاد شوروی درباره سیاست تهدید آمیز امریکا در این منطقه تأکید ورزید که باید از ورود سلاحهای هسته‌ای به اقیانوس هند جلوگیری کرد. نماینده اتحاد شوروی که در کنفرانس کشورهای حوزه اقیانوس هند و ۱۴ دولت دریایی سازمان ملل سخن می‌گفت اعلام کرد: «پایگاههای نظامی در این منطقه تهدیدی است علیه صلح، و تاسیسات هوایی و دریایی امریکا در دی‌پوگوارسیا نمونه‌ای است از این وضع.»

تداوم توسعه طلبی اسرائیل و حمایت امریکا از آن

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بیت المقدس، مناخیم بکین، نخست وزیر اسرائیل اعلام کرد که این کشور به جنگ تعرضی علیه مواضع فلسطین در جنوب لبنان ادامه خواهد داد.

از طرف دیگر یهودا بلوم نماینده اسرائیل در سازمان ملل متحد گفت که دولت متبوع وی خود را در احداث آبادیهای یهودی نشین در نواحی اشغالی غرب رود اردن و نوار غزه ذبح می‌داند.

تاس، خبرگزاری شوروی، درباره این تجاوزات، توسعه طلبیها و محرکان خارجی آن، اعلام داشت، و سخامت اوضاع در لبنان و گسترش تشنج در خاور میانه بار دیگر اثبات کرد که پیمان کمپ دیوید که بامیانجی گری امریکامیان رژیمهای مصر و اسرائیل انعقاد یافت، به هیچجوری به استقرار صلح در خاور میانه مساعدت نخواهد کرد. روزنامه یز اودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، در تفسیری که به اوضاع خاور میانه اختصاص داد، نوشت که امریکا سلاحهایی کاملاً مدرن، از جمله مقدار زیادی هواپیما اف ۱۵، بر اساس معاهده کمپ دیوید در اختیار اسرائیل گذاشته است و رژیم اسرائیل از این سلاحها در حمله به لبنان و فلسطین استفاده می‌کند.

باز هم درباره افسانه «پناهندگان»

روزنامه سلسکایا زین (زندگی روستایی) جاب مسکو نوشت که غرب و یکن در جنب و جوش سودجویانه و تبلیغات مفتضحانه درباره به اصطلاح «مسأله آوارگان» ویتنامی هم‌اوا شده اند! سلسکایا زین متذکر شد که این جنب و جوش هیچگونه تمایلی به افشای هویت مسئولان واقعی فاجعه‌ای که به این انسانها روی آورده ندارد و هدف آن پنهان کردن بزحکاران واقعی و ایراد اتهام بر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سراسر جهان است!

سلسکایا زین تأکید ورزید که این ایالات متحده امریکاست که بزرگترین مسؤولیت را در این مسأله دارد و در طول سالیان دراز بر اثر تجاوز مسلحانه زیانهای بی‌حد و حسابی را بر ویتنام و مردم آن وارد آورده است.

بر تری طلبیان یکن نیز وقیحانه کسانی را که واجد ملیت چینی هستند به عزیمت جمعی از ویتنام تحریک می‌کنند و موجبات مهاجرت صدها هزار نفر ویتنامی را، که محرک خارجی دارد، فراهم می‌آورند و در نتیجه مشکلاتی عظیم ایجاد می‌کنند که یکن در ویتنام و کشورهای جنوب شرقی آسیا خواستار آن است.

امریکا بسا چین قرارداد پرسود بازرگانی منعقد می‌سازد

بگزارش خبرگزاری فرانسه، امریکا و چین قراردادی برای مبادلات بازرگانی میان دو کشور امضاء کردند. قرار است که کنگره امریکا نیز شرط «ملت کامله اوداد» را در مبادلات بازرگانی میان امریکا و چین برای این کشور تصویب کند بر اساس این قرارداد مهمترین امتیاز برای امریکا تسهیل ورود فرآورده‌ها و سرمایه‌های این کشور به چین است.

با توجه بدین مطلب این گزارش خبرگزاری فرانسه در خود تأمل است که ایالات متحده قصد دارد از یک بندر مهم کره جنوبی بعنوان یک پایگاه بزرگ برای استفاده ناوگان هفتم خود بهره‌برداری کند.

هارولد براون وزیر دفاع امریکا که قبیل از کارتر وارد ستول شده بود تادرمورد استفاده از این پایگاه مذاکراتی انجام دهد، در ضمن مصاحبه‌ای اعلام کرد که اگر منافع امریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند دچار مخاطره شود، به این مناطق نیرو خواهد فرستاد.

گاو صندوقهای انحصارات و دولتهای امپریالیستی ریخته میشود، عاید کشور و مردم خود ما خواهد شد.

ما باید، بگفته خود نخست وزیر این اصل را اساس سیاست خود قرار دهیم که «ضرر را از هر جا جلو گیری کنیم، منفعت است» نه اینکه بدنبال ضرر، به ضررهای دیگری تن در دهیم. ما نمیتوانیم بگوئیم چون مارا غارت کرده اند، باید تسلیم غارتگر باشیم. نمیتوانیم بگوئیم چون وابسته بوده ایم، الزاماً باید وابسته بمانیم. ما باید دور تسلسل وابستگی را بشکنیم. ما کشوری داریم فوق العاده غنی. با تأمین استقلال کشور، ما در مدتی نه چندان طولانی، میتوانیم کشوری شکوفا بسازیم که در آن میلیونها مردم زحمتکش از فقر رهایی یابند و در رفاه زندگی کنند. استقلال کشور آن اهمی است که با کاربرد آن میتوان ایرانی آباد و پیشرفته و مرفه ساخت.

ما باید باین اصل مسلم اعتقاد را سخوعیق داشته باشیم و در راه تساهین استقلال کشور کمترین تردیدی بخود راه ندهیم.

ملی کردن مؤسسات صنعتی سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم گام جدید شورای انقلاب در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور و رفاه مادی و معنوی زحمتکشان

شورای انقلاب جمهوری اسلامی گام مؤثر جدیدی در راه تحدید نفوذ امپریالیسم در ایران و سرمایه داران وابسته به آن برداشت. پس از ملی کردن بانکها و بیمه ها، اینک بر اساس قانون حفاظت و توسعه صنایع، که از جانب شورای انقلاب اعلام شد، صنایع همدستان انحصارهای چند ملیتی، ملی شدند.

ملی کردن مؤسسات صنعتی سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم یکی از خواسته های اساسی همه نیروهای ملی و آزادیخواه حزب توده ایران بود که شورای انقلاب بدان تحقیق بخشید و بدینجهت نیز مورد حمایت همه جانبه کلیه نیروهای انقلابی از جمله حزب توده ایران است که دستیابی به استقلال اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی را سرلوحه مبارزات خود قرار داده اند.

پنججاه و یک سرمایه دار وابسته ای که با تباری بارزیم سرنگون شده یهلوی، صدها واحد صنعتی را قیضه کرده بودند، همان گروه های مشهور صنعتی بودند که هسته های اولیه انحصارها را در کشور ما بوجود آوردند. آنها نه تنها دهها هزار کارگر را استثمار میکردند، بلکه بطور غیرمستقیم به بهره کشی از مؤسسات کوچک و دیگر ساختهای اقتصادی هم مشغول بودند. گرچه تعداد این گروهها در ایران محدود

بود، ولی از نظر تأثیر در حیات اقتصادی جامعه، اهمیت زیادی داشتند. علاوه بر این، گروه های صنعتی نامبرده، که محصول چشم اقتصادی، کاذب بودند، نقش بسزائی در اجرای سیاست نو استعماری ایفاء نمسودند. هم آنها بودند که با درهم آمیزی سرمایه های خود با سرمایه انحصارهای چند ملیتی، شرایط رسوخ امپریالیستها را بر سرکردگی امپریالیسم امریکا به کلیه عرصه های اقتصادی و سیاسی ایران فراهم آوردند و سیاست نو استعمار دسته جمعی را در ایران، در زمینه های صنعتی، کشاورزی، مالی، فنی، بازرگانی و غیره بموقع اجرا گذاردند و در تخریب زیر بنای اقتصادی کشور کوشیدند.

زنان را می خواهند از انقلاب جدا کنند

محافل شناخته شده ای، بی وقفه، با تبلیغات سوء، قصد دارند مردم را از باصلاح دیکتاتوری و فاشیسم و ارتجاع برسانند. کارگزاران این تبلیغات، که سرنخ آنها بسی شک در دست عمال رژیم گذشته و ارتجاع داخلی است، در ادارات، مؤسسات، دانشگاهها و حتی خیابانها بر فعالیتهای خود افزوده اند. این عمده خود را ملوفدار دو آتشه اسلام جا میزنند و از ارتجاعی ترین قوانین، که با سوءاستفاده از اسلام، قرنها قبل رایج بوده و مردم از احیای آنها وحشت دارند، دفاع میکنند. آنها از چه قوانینی حمایت میکنند و مردم را از چه چیز میترسانند؟

- زنها نباید کار کنند و باید برون در خانه بنشینند و بچه داری کنند،
- حق طلاق با مرد است،
- مرد میتواند چهار زن بگیرد و هر قدر دلش خواست زن صیغه ای بگیرد،
- بزودی هجوم دیگری علیه زنها، بی چادر شروع میشود،
- دختران و زنها نباید در مدرسه و دانشگاهها و مراکز علمی شرکت کنند،
- زن حق ورزش ندارد،
- از این گونه تبلیغات سوء و دروغ، که دستمایه برپاکنندگان بحث و مناظره و مشاجره در ادارات و دانشگاهها و خیابانهاست، هنوز میتوان برشورد.

هدف این تبلیغات، جدا کردن

بپاس شهیدان

دیدنی چگونه رفت و فنا شد آن دیو بد سرشت تبهکار دیدنی چگونه زود فروریخت بنیاد آن ستمگر خونخوار؟

طاغوت ظلم پیشه چو خفاش ظلمت پرست بود و سیه بود ره سوی نور بست و ندانست کاینجا خدا نشانه ی ره بود!

اکنون ز خاک پاک شهیدان جوشیده بس ترانه ی خونرنک بر چهره ی سپیده امید هم خنده بر شکفته هم آژنگ

آیا نمی سزد که در این راه اکنون بپاس خون شهیدان از خویش خویش چشم پوشیم در راه دید توده ی انسان!

آری! بسی سزد که خرد را در مرز دید خویش نبندیم و آن را که در خرد نه پسنداست بر دوستان خود نپسندیم!

ش. - اردیبهشت ۱۳۵۸

زنان مسلمان و غیر مسلمان و مذهبی و غیر مذهبی از رهبری انقلاب و تضعیف آنست. آنها که این کارزار را اداره میکنند، بخوبی از نقش زن در انقلاب ایران آگاهند.

و میداندند که زنان در پیروزی انقلاب نقش مهم تاریخی به عهده گرفتند و اکنون جدا کردن آنها از نهضت، بزرگترین خدمت به ارتجاع و ضد انقلاب است.

وضع انفجاری خرم آباد، نتیجه و نمونه ای از خرابکاری عوامل ناباب و مشکوک در کمیته ها

در خرم آباد نیز پس از انقلاب مانند سایر نقاط ایران، اقدام به تشکیل کمیته ها شد. ولی در اینجا، بعلمت شرایط خاص محل، از همان آغاز اداره امور کمیته ها بدست عناصر کلاک شناخته شده و بدنامی افتاد که کارهایشان موجب نارضایتی مردم شد. حتی یکی از متمولترین افراد منطقه، از نفوذ خود سوء استفاده کرد و با تقبل مخارج سنگین، عملاً قدرت بلا منازع در کمیته بدست آورد و نظارت کامل خود را بر کار آن اعمال نمود، در حالیکه آیت اله مدنی، که از جانب امام اعزام شده بود، جداً با در رأس قرار گرفتن سرمایه داران بطور کلی و این شخص بطور خاص ابراز مخالفت کرده بود. در واقع هیچگونه نظارتی از طرف مقامات دولتی یا روحانیون یا مقامات قضائی بر کار کمیته ها در خرم آباد اعمال نمیکردند.

در این شرایط است که افراد ناباب و مشکوک، که در کمیته ها نه فقط نفوذ کرده، با اقدامات خود بکلی کمیته ها را بی آبرو نموده و خشم و اعتراض مردم را موجب گردیده اند. آنها بارها به کتاب فروشی ها، به کانونهای هنری، به کانون دیپلمه های بیکار، به ستاد مجاهدین حمله ور شده، افراد را مضروب و مجروح نموده، وحشت

و خفقان را در شهر حکمفرما کرده اند. همانطور که امام خمینی نیز اخیراً گفت: بدنابل هر اختناقی انفجار هست. شهر خرم آباد نیز هم اکنون حالت پیش از انفجار بخود گرفته است. اعمال سر تا پا غلط و عملاً ضد انقلابی اینگونه افراد در کمیته ها تا بدانجا بالا گرفت که حتی رادیو خرم آباد و رادیوی ایران و روزنامه های کیهان و اطلاعات نام دوتن از رؤسای این کمیته ها را، که مشغول حملات و جرح و ضرب بودند، اعلام کردند ولی پس از آن هیچگونه تدبیر قاطع و تصمیم جدی گرفته نشد و هیچ نوع مجازات یا حتی محدودیتی هم برای آنان پیش نیامد.

مردم خرم آباد میپرسند: چه دستی در کار است که وضع را بدینگونه بحرانی میکند و از اجرای دستور امام خمینی مبنی بر تصفیه کمیته ها و پاکسازی آنها از عناصر ناباب جلوگیری بعمل میاورد؟ در خرم آباد عناصر خرابکار و مشکوک در کمیته ها گردانندگان امورند. آنها به ستاد جنبش مجاهدین حمله کرده و چند نفر را کتک زده اند، به متصنن کانون دیپلمه های بیکار یورش برده و چند نفر را مضروب کرده اند. مهاجمین را سازمان داده و در چهار کتا بفرشی (پیشکام، امین، اندیشه، پیر) اقدام بسوزاندن کتاب و تخریب

حزب توده ایران بر آنستکه نظام اقتصادی ایران، از نظر شکل مالکیت، در مرحله کنونی میباید بر سه پایه زیر استوار گردد: مالکیت دولتی یا مالکیت عموم خلق، که بر اساس بخش دولتی بوجود میآید؛ مالکیت تعاونی یا مالکیت گروهی، که بر پایه بخش تعاونی ایجاد میگردد؛ مالکیت خصوصی یا مالکیت فردی، که بر پایه آن بخش خصوصی تشکیل میشود.

ما بر آنیم که بخش دولتی با در دست داشتن اهرمهای اساسی اداره امور اقتصادی و مالی و بازرگانی میتواند، از طریق برنامه ریزی علمی، بخش خصوصی را در جهت تأمین استقلال اقتصادی سوق دهد و هر سه بخش را در خدمت رفاه مادی و معنوی زحمتکشان، که هدف عمده رشد اقتصادی است، قرار دهد.

پنججاه و یک سرمایه دار بزرگ که مشمول قانون حفاظت و توسعه صنایع گردیدند، با همدستی امپریالیسم، چنان تجدید تولید اجتماعی نا منتجاری را به کشور و مردم ما تحمیل نمودند که منجر به بحران عمیق و گسترده ای گردید که امروز جامعه رویاروی آن قرار دارد. آنها چنان سیاست صنعتی نو استعماری را به مین ما تحمیل کردند که تابع مناسبات نابرابر و ناعادلانه با کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری است. چنین روندی از لحاظ ماهیت اقتصادی و اجتماعی متضاد با منافع و مصالح ملی ماست. این سرمایه داران با ایجاد شرکتهای مختلط، که در آنها اعتبارات و وامهای دولتی به مراتب بیش از سرمایه شخصی بود، سهم قابل توجهی از درآمد ملی را از راه غارت مردم ستمدیده ایران به گاو صندوقهای انحصارهای چند ملیتی منتقل ساختند.

۷۰ درصد سرمایه اولیه گروه رضائی، که اکنون مشمول قانون حفاظت و توسعه صنایع شده، عبارت بود از وام دولتی با بهره اندک. مؤسسات این گروه در تهران بمدت پنج سال و در خارج از تهران بمدت ۱۲ سال از پرداخت مالیات آزاد بودند.

طبق برآورد مقامات دولتی، ۷۰ درصد واحدهای تولیدی و صنعتی وابسته به این گروهها، چند برابر سرمایه ثابت از بانکها وام گرفته اند. طبق محاسبه دیگری، نزدیک به ۹۰۰ کارخانه، شرکت و بانک و غیره، حدود ۵۳۸ میلیارد ریال فقط از بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران و «بانک اعتبارات

مدنی است که سمت، عنوان و دلیل دستگیری کسانی که بعنوان عناصر ضد انقلابی دستگیر شده اند و از زندان آزاد میشوند، اعلام نمیکرد. مردم میخواهند بدانند که آنها کیستند؟ سمتشان چیست؟ اتهامشان هنگام دستگیری چه بوده است؟ چرا و به چه دلیل آزاد میشوند؟ بی گناهند و یا در باره شان اغماض شده است؟

این پرسشها برای همه آنها که نگران سر نوشت انقلاب ملی و دمکراتیک ایرانند، مطرح است. این نگرانی را خبرهای مربوط به آزاد شدن عده ای از عناصر ساواک، شهربانی و ارتش، که در کارس کوب مردم نقش داشته اند و همچنین تخفیف در مجازات اینگونه محکومان و زرمزه عفو عمومی و خودداری از قبول شکایت از نظامیان خطاکار، تشدید کرده است. این تشدید نگرانی همزمان است با انتشار و پخش اخبار مربوط به ادامه نفوذ عناصر مشکوک در کمیته ها و حتی در میان پاسداران جان بر کف انقلاب. مردم میخواهند که نام، شغل، علت دستگیری و دلیل آزاد کردن کسانی که بازداشت شده اند، همواره و بطور منظم اعلام گردد.

دقت مردم و سایر ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیلاتی حزب توده ایران نیاز جدی و فوری به دوره روزنامه ها و مجلات و نشریات حزب در زمان علنی بودن حزب، قبل از سال ۲۷ و همچنین در دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد و در سالهای پس از کودتادارند در حال حاضر ارگانهای مرکزی حزب، بویژه برای روشن کردن برخی مسائل گذشته و آگاهی به جزئیات راه و روشی که در هر

آنها که از زندان انقلاب آزاد میشوند، کیستند؟

دقت مردم و سایر ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیلاتی حزب توده ایران نیاز جدی و فوری به دوره روزنامه ها و مجلات و نشریات حزب در زمان علنی بودن حزب، قبل از سال ۲۷ و همچنین در دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد و در سالهای پس از کودتادارند در حال حاضر ارگانهای مرکزی حزب، بویژه برای روشن کردن برخی مسائل گذشته و آگاهی به جزئیات راه و روشی که در هر

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق